

Developments in Women's Rights in the Light of Generations of Human Rights in the World and in the World of Islam

Mohammad Salman Taheri

Ph.D. Student in Public Law, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran,
salmantaheri545@yahoo.com

Arkan Sharifi*

Assistant Professor of Public Law, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran
(Corresponding Author) arkansharifi@gmail.com

Haneh Farkish

Assistant Professor of Public Law, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran,
hanehfarkish@gmail.com

Abstract

Objective: In the contemporary literature on human rights, there is a generally accepted approach that classifies them into four generations. The fourth generation pays special attention to the axis of sustainable development law and the issue of women's. The study of these developments in the world and the Islamic world is the main objective of this research. These developments are also reflected in the Islamic world, and we are witnessing a valuable alignment between the countries of the Islamic world and the developments in the international community. The Organization of Islamic Cooperation, like the United Nations, has paid special attention to the issue of women's rights.

Method: The research method is based on a descriptive-analytical approach and is based on documented statistical data. First, the process of developments in women's rights in the light of human rights and the right to development is presented at the global level, and then the degree of compliance of these developments in Islamic world is evaluated based on the literature and documents of the Organization of Islamic Cooperation.

Findings: The research hypothesis states that there is no significant difference between the world and the Islamic world in relation to the Gender Development Index, but the difference in the Gender Inequality Development Index is still noticeable.

Conclusion: The evolution of human rights and women's rights in the world and the Islamic world has had an upward trend in development indicators, but in some development indicators, there is a limited distance between the world and the Islamic world.

Keywords: Women's Rights, Generations of Human Rights, Islamic World, Gender Development Index, Gender Inequality.

Article Type: Research

* Political Studies of Islamic World, Summer 2021, Vol.10, NO.2, 167-188

DOI: 10.30479/psiw.2021.15012.2953

Received on 1, February 2021 Accepted on 13 July, 2021

Copyright© 2021, Salman Taheri, Sharifi & Farkish

Publisher: Imam Khomeini International University



تحولات حقوق زن در پرتو نسل‌های حقوق بشر در جهان و جهان اسلام

محمد سلمان طاهری

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. salmantaheri545@yahoo.com

ارکان شریفی*

استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) arkansharifi@gmail.com

هانه فرکیش

استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. hanehfarkish@gmail.com

چکیده

هدف: در ادبیات معاصر در باب حقوق بشر که نگاه لیبرالیستی در آن وجه غالب دارد، رهیافت عام پذیرفته شده‌ای وجود دارد که آن‌ها را به چهار نسل طبقه‌بندی می‌کند. در این مجموعه، نسل چهارم به محور حقوق توسعه پایدار و مؤلفه‌های آن توجه ویژه دارد و موضوع حقوق زنان نیز در این فضا مطرح می‌شود. بررسی این تحولات در جهان و به موازات آن در جهان اسلام، محور اصلی این پژوهش است. این تحولات در جهان اسلام نیز انعکاس داشته و همسویی ارزشمندی را میان کشورهای جهان اسلام با روند تحولات جامعه جهانی البته در چهارچوب و حفظ ارزش‌های اسلامی شاهد هستیم. سازمان همکاری اسلامی همانند سازمان ملل متحد، توجه خاصی را به موضوع حقوق زنان معطوف داشته است. هدف اصلی این پژوهش، کمک به مطالعات حقوق بشری و ایجاد فضا برای نزدیکی مؤلفه‌های حقوق بشری و توسعه در دو سطح جهانی و جهان اسلام است.

روش: روش تحقیق در این مطالعه، تکیه بر رویکرد توصیفی تحلیلی دارد و در قالب مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. تحقیق مبتنی بر داده‌های آماری مستند است. ابتدا روند تحولات حقوق زنان در پرتو حقوق بشر و حق توسعه در سطح جهانی ارائه می‌شود و سپس ضمن تأکید بر محوریت ارزش‌های اسلامی در جهان اسلام، میزان انطباق این تحولات بر پایه ادبیات و اسناد سازمان همکاری اسلامی به‌ویژه در مؤلفه‌های توسعه ارزیابی می‌گردد؛ به عبارت دیگر جهان اسلام ضمن تلاش برای حفظ مؤلفه‌های ارزشی خود، به موازات تحولات حقوق بشری در جهان، مسیر پیشرفت و توسعه خود را ادامه داده است.

یافته‌ها: فرضیه تحقیق بر این نکته اشاره دارد که جهان اسلام ضمن حفظ ارزش‌های دینی و هویتی خود، همانند تحولات حقوق بشری در جهان به‌ویژه در بحث توسعه، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. شایان ذکر است که در ارتباط با شاخص توسعه جنسیتی، تفاوت معناداری میان تحولات جهان و جهان اسلام وجود ندارد، ولی در شاخص توسعه نابرابری جنسیتی، تفاوت محسوس است که تفاوت مزبور نه از باب بی‌توجهی جهان اسلام، بلکه ناشی از تفاوت ریشه‌ای در جهان‌بینی مکتب اسلام از انگاره‌های لیبرالیستی است.

نتیجه‌گیری: روند تحولات مباحث حقوق بشر و حقوق زنان در جهان و جهان اسلام، در شاخص‌های توسعه سیر صعودی داشته است.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، نسل‌های حقوق بشر، جهان اسلام، شاخص توسعه جنسیتی، نابرابری جنسیتی

نوع مقاله: پژوهشی

* مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸، ۱۶۷-۱۸۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۲

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)



۱. مقدمه

حقوق بشر، مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هایی است که در چهارچوب نگاه لیبرالیستی، اساس زندگی بخشی از انبای بشر را تشکیل داده است. این حوزه از حقوق با توجه به مقتضیات زمانی در هر برهه تاریخی به سه نسل تقسیم شده بود که هرکدام بخشی از خواسته‌ها و بنیادهای حقوقی بشر را تأمین می‌کند. اما امروزه برخی از آگاهان بدین باورند که پیشرفت سریع علم، تحقق دسته دیگری از حقوق بشر؛ یعنی نسل چهارم حقوق بشر را ایجاب نموده است. هرچند پیشرفت علم، مایه سهولت و پیشرفت انسان‌ها در عصر حاضر شده است، اما می‌توان گفت، حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوء استفاده از علم قرار گرفته است، لذا ذکر و ارائه نسل چهارم حقوق بشر؛ یعنی توجه بیشتر به مسائل توسعه انسانی و بر پایه آن، توجه به روش‌های حمایت از حیثیت و کرامت انسانی ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین، از موضوعات مهم دوران معاصر، بررسی حقوق زن، رفع تبعیض‌ها و محدودیت‌ها علیه او در حوزه‌های مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفع محدودیت و تبعیض از زنان و رعایت حقوق مساوی با مردان، از دیرباز تاکنون موضوع تلاش‌های مختلف حقوق بشر بین‌المللی در سطح جهان و جهان اسلام بوده است که مهم‌ترین آن‌ها تلاش سازمان ملل در این زمینه، تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی و اقدامات سازمان همکاری اسلامی است.

این تحولات در جهان اسلام انعکاس زیادی داشته و حرکت رو به رشدی را میان کشورهای جهان اسلام برای گسترش مبانی حقوق بشر و حقوق زنان شاهد هستیم. سازمان همکاری اسلامی به عنوان نماینده سازمانی جهان اسلام، توجه خاصی به موضوع حقوق زنان داشته است.

بر اساس تحولات امروز، هنجارسازی، گام مهمی در راستای تحقق حقوق زنان در کشورهای اسلامی بوده است. هنجارها، در بردارنده گزاره‌های معین تعیین‌کننده نوع رفتار است که اعتبار یا عدم اعتبار عملکردهای آتی را مشخص می‌سازند. به عبارت دیگر؛ هنجار را می‌توان یک استاندارد رفتار مناسب بازیگران با هویت مشخص نامید که در عرصه بین‌الملل، بازیگران همان دولت‌ها می‌باشند.

سازمان همکاری اسلامی تلاش نموده است تا درک خود از حقوق زنان را بر مبنای شریعت اسلامی، عرف و معاهدات بین‌المللی در چارچوب سند تأسیس سازمان، اعلامیه «اوآگادوگو» سال ۲۰۰۵ و برنامه عمل سازمان در خصوص ارتقای حقوق زنان و اسناد متعدد دیگر ارائه دهد.

در هفتمین کنفرانس وزیران اسلامی در مورد «نقش زنان در پیشبرد توسعه برای کشورهای عضو» در جلسه موسوم به «توانمندسازی زنان در کشورهای عضو: چالش‌ها و چشم‌اندازها»

در ۲۰۱۸، تعداد ۱۶ قطعنامه مهم در خصوص بهبود شرایط حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی زنان در کشورهای عضو به تصویب رسید که ارتقای چشمگیری را در خصوص حقوق نسوان مطرح می‌ساخت.

در این مقاله، به بررسی وضعیت تحولات حقوق زنان به‌طور عام و در جهان اسلام در پرتو نسل‌های حقوق بشر می‌پردازیم و به‌عنوان پرسش محوری، چگونگی تحولات مزبور در فضای جامعه جهانی و جهان اسلام را با توجه به شاخص‌های توسعه در حقوق زنان و ارزش‌های مشترک دینی در جهان اسلام مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در این مطالعه، پس از ارائه فهرستی موجز از تحولات حقوق زنان در نسل‌های حقوق بشری، توجه خاصی به دو مؤلفه «شاخص توسعه جنسیتی» و «شاخص نابرابری جنسیتی» شده است. محورهای مزبور بر اساس آمارهای مستند جهانی در جهان و کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ارزیابی شده‌اند.

فرضیه تحقیق بر این نکته اشاره دارد که جهان اسلام، ضمن حفظ ارزش‌های دینی و هویتی خود؛ همانند تحولات حقوق بشری در جهان به‌ویژه در بحث توسعه، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. شایان ذکر است که در ارتباط با شاخص توسعه جنسیتی، تفاوت معناداری میان تحولات جهان و جهان اسلام وجود ندارد، ولی در شاخص توسعه نابرابری جنسیتی، تفاوت محسوس است که تفاوت مزبور نه از باب بی‌توجهی جهان اسلام، بلکه ناشی از تفاوت ریشه‌ای در جهان‌بینی مکتب اسلام از انگاره‌های لیبرالیستی است.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه، تکیه بر رویکرد توصیفی تحلیلی دارد و در قالب مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. تحقیق، مبتنی بر داده‌های آماری مستند است. ابتدا روند تحولات حقوق زنان، در پرتو حقوق بشر و حق توسعه در سطح جهانی ارائه می‌شود و سپس میزان انطباق این تحولات، بر پایه ادبیات و اسناد سازمان همکاری اسلامی در جهان اسلام ارزیابی می‌گردد.

۳. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع، فعالیت‌های پژوهشی متنوعی صورت گرفته است که عبارتند از: محمود جلالی و همکارش در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تاریخی وضعیت سیاسی - حقوقی زنان در جهان، از آغاز تاکنون» در ۱۳۸۶ گزارشی تاریخی از تحولات کلی حقوق زنان ارائه داده است. (جلالی، ۱۳۸۶)

مقتدایی، مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی» تدوین ساخته است. هدف او، بررسی مواد یک تا ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق

بشر، در ترازوی آیات قرآن بوده است و در صدد بررسی موضوع در فضای میدانی جهان اسلام نیست (مقتدایی، ۱۳۹۰).

طباطبایی و همکارش نیز به موضوع نقض نسل سوم حقوق بشر از ناحیه تحریم‌های آمریکا پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۹۸). موضوع محوری وی عمدتاً نقض حقوق بشر توسط دولت‌های غربی است.

بابازاده مقدم نیز در مقاله خود با عنوان «مقدمه‌ای بر نسل چهارم حقوق بشر، حمایت از کرامت انسانی در عصر ارتباطات» با ارائه تاریخ سه نسل اول بحث حقوق بشر، به تعریف و بیان ابعاد نسل چهارم حقوق بشر و اثرات مثبت آن در حیات بشری پرداخته است (بابازاده مقدم، ۱۳۹۹).

«موامن گودا» و همکارش با رویکردی منفی در نوشته خود با عنوان «برابری جنسیتی در کشورهای با اکثریت مسلمان» مدعی می‌شوند که تبعیض جنسیتی در کشورهای با اکثریت مسلمان علیه زنان اعمال می‌شود. از نظر این دو محقق، ریشه این تبعیض، اقتباس قوانین مدنی، حقوقی و کیفری از مقررات مذهبی و اسلامی است. آن‌ها اظهار می‌دارند که مادامی که قوانین ماهیت مذهبی داشته باشد، این نوع تبعیض‌ها علیه حقوق زنان اعمال می‌گردد (Gouda.2016). این مؤلفان ابتدا به تفاوت ریشه‌ای مبانی و ارزش‌های اسلامی با مبانی مکتب لیبرالیسم توجهی ندارند.

محمدجواد رزمی و همکاران در ۲۰۱۲ در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط میان توانمندسازی زنان و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی»، متغیرهای متعدد در توانمندسازی زنان؛ از جمله میزان مشارکت در مراجع قانون‌گذاری و پارلمان را در کشورهای اسلامی ارزیابی می‌کنند (Razmi.2012).

محمیا صفارنیا، در مقاله ارزشمندی با عنوان «رویکرد سازمان همکاری اسلامی در زمینه ارتقای حقوق زن» در ۱۳۹۸ درخصوص سیاست این سازمان در بحث حقوق زنان، به بخشی از اسناد سازمان می‌پردازد (صفارنیا، ۱۳۹۸) و گزارشی از این اسناد ارائه می‌دهد. البته صفارنیا وارد ارائه داده‌های آماری نمی‌گردد (صفارنیا، ۱۳۹۸).

الهه کولایی و همکارش در سال ۱۳۸۵، موضوع «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی» را در چهارچوب مقوله توسعه پایدار ارزیابی کرده‌اند (کولایی و همکار، ۱۳۸۵). تأکید کولایی بر شاخص‌های توسعه پایدار، نقطه قوت این مقاله محسوب می‌شود؛ هرچند که مقاله سراغ داده‌های آمار نرفته است.

حمید وردی‌زاده در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی حقوق زن در حقوق جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها» در ۱۳۹۱، موضوع حقوق زن در غرب و ایران را به بحث اجمالی گذاشته است و استفاده ابزاری از زن را به عنوان عامل انحرافی در غرب یاد کرده است (وردی‌زاده، ۱۳۹۱).

رابرت سی بلیت در گزارش خود با عنوان «برابری و عدم تبعیض از منظر یک سازمان بین‌المللی مذهبی، سازمان همکاری اسلامی، پاسخی به حقوق زنان و حقوق هویت جنسیتی و جهت‌گیری جنسی» در ۲۰۱۶، نگاه جامعی به اسناد سازمان همکاری اسلامی دارد و سعی می‌کند، وضعیت حقوق مزبور را در اسناد آن بررسی کند. اگرچه توجه محقق به اسناد درجه یک قابل تقدیر است، ولی مؤلف از ابتدا نگاهی جانبدارانه مبنی بر وجود تبعیض و عدم توفیق جهان اسلام در تحقق حقوق مزبور دارد. در واقع، نگاه غربی بر مجموعه تحلیل‌های مؤلف سایه افکنده است (Blitt, 2016).

در هیچ‌یک از آثار فوق، نگاهی کلان جامع نسبت به محیط جهانی و جهان اسلام صورت نگرفته است و در منابع فارسی نیز بررسی اسنادی صورت نگرفته است.

۴. تحولات مربوط به نسل‌های حقوق بشر در سطح جهانی با نگاه لیبرالیستی

محتوا و مصداق حقوق بشر را در قالب نسل‌های حقوق بشر بیان کرده‌اند. افزون بر نسل اول و دوم، سخن از حق در قالب نسل سوم به میان آمده است که بر ادعای برادری و همبستگی بنا می‌شوند. برای نخستین بار، مفهوم حق نسل سوم را کارل واساک^۱ در امتداد و ارتباط متقابل با سایر نسل‌های حق مطرح کرد. وی تحلیل خود را بر شعار اصلی انقلاب فرانسه؛ یعنی آزادی، برابری و برادری بنا نهاد. از نظر واساک، حق نسل‌های اول و دوم فردی هستند، حال آن که حقوق نسل سوم گروهی و جمعی‌اند که در پاسخ به تعاملات و وابستگی متقابل جهانی شکل گرفته‌اند؛ یعنی در مقابل حقوق نسل اول و دوم، که بر مصالح و منافع فردی تکیه دارند، حقوق نسل سوم بر مصالح جمعی اصرار می‌ورزند (وکیل، ۱۳۸۳: ۸۳).

در این تقسیم‌بندی، نسل اول در برگیرنده حقوق سیاسی و مدنی و آزادی‌ها، نسل دوم؛ شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نسل سوم که حقوق مفصل‌تر و پیچیده‌تری را در بر می‌گیرد و در سال‌های اخیر در نظام حقوق بین‌الملل بشر مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته؛ شامل حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم و سلامتی، حق بر غذای سالم و کافی برای همه و حق بر استفاده از منابع طبیعی است.

این طبقه‌بندی، پایه‌ای است برای اسناد حقوق بشر بین‌المللی که در چارچوب سازمان ملل متحد از زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به وجود آمده‌اند. در واقع، این اعلامیه اولین سند جامع از حقوق بنیادین بشر بدون طبقه‌بندی آن‌ها است. از سوی دیگر، نسل اول و دوم حقوق بشر اساساً به دو میثاق بین‌المللی ۱۹۶۶ و نسل سوم حقوق بشر در اسناد خاصی که عمدتاً اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل‌اند، بازتاب دارد. در واقع، ظهور آن‌ها در حقوق بشر به دوران اخیر برمی‌گردد و ابهام و عدم قطعیت در شناسایی این حقوق، اتخاذ یک سند حقوقی جامع که بتواند از این طریق این حق‌ها مورد حمایت قرار گیرد، وجود ندارد.

۱. کارل واساک محقق چک فرانسوی تبار (۱۹۲۹-۲۰۱۵) و نخستین رئیس موسسه بین‌المللی حقوق بشر در استراسبورگ

کارل واساک مروج و محقق معروف حقوق بشر که سال‌ها ریاست انستیتو بین‌المللی حقوق بشر را بر عهده داشته‌اند، در سخنرانی افتتاحیه خود در دوره سالیانه این مرکز آموزش در تابستان ۱۹۷۹، حقوق بشر را بر حسب نسل‌های آن تعریف نمود.

او نسل را برای حقوق بشر مطرح کرده است. نسل اول حقوق بشر، همانا حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی است. حق‌هایی از قبیل: آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، حق آزادی تردد و انتخاب محل به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد. برخی مبنای اسنادی نسل اول را در این اسناد جستجو می‌کنند: اعلامیه منشور بزرگ ۱۲۱۵، اعلامیه حقوق ۱۶۸۶، اعلامیه استقلال آمریکا ۱۷۷۶، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (Popescu, 1996: 149).

حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان حقوق متعلق به نسل دوم حقوق بشر طبقه‌بندی می‌شوند. حقوقی از قبیل؛ بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی، مثال‌های این نسل از حقوق بشر هستند. در حالی که نسل اول نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد، حقوق نسل دوم مستلزم مداخله دولت‌ها و حکومت‌ها می‌باشد، اما نسل سوم حقوق بشر به مجموعه‌ای از حق‌ها اطلاق می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم بر همه انسان‌ها و حتی نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد. تحقق آن‌ها، سود همگان و نقض آن‌ها زیان همگان را در پی دارد. این دسته از حقوق کاملاً به هم وابسته و جدا نشدنی هستند. برخورداری از آن‌ها، حق همه افراد و ملت‌ها و تلاش برای تحقق و دستیابی به آن‌ها نیز تکلیف و مسئولیت همگانی است. به این دسته از حقوق، حقوق همبستگی گفته می‌شود (نصر اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). از آن زمان، ادبیات حقوق بشر بین‌المللی به طور فزاینده‌ای واژه حقوق همبستگی را به کار برده است که غایت آن رعایت همه حقوق بشر برای تعالی همه افراد انسان‌ها می‌باشد. ناکافی بودن نسل‌های اول و دوم حقوق بشر برای برآوردن نیازهای حقوق بشر باعث شد، برخی اندیشمندان نظریه نسل سوم را ارائه دهند تا خلأهای حقوق بشر پر و از جنبه شعارهای نسل اول و دوم کاسته شود.

تحولات نسل‌های حقوق بشر با تأکید بر حقوق زنان

جنبش زنان، چشم‌اندازهای نوینی را برای گفتمان حقوق بشر برای سال‌ها فراهم کرده است. مکاتب فمینیستی معاصر به دنبال نقد لیبرالیسم بوده است؛ به‌گونه‌ای که مفهوم برابری شکلی در حقوق بین‌الملل بشر در شماری از زمینه‌ها منحرف شده است. دو مورد از مناسب‌ترین نقدها برای این بحث عبارتند از: ترکیب و ساخت انسان‌محوری حقوق بشر و دیگری، تداوم دوگانگی غلط بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی. در خلال موج اول جنبش زنان؛ یعنی در اوایل قرن بیستم، نظریه‌پردازان و فعالان این حوزه، توجه خاصی را به ساخت جنسیت‌زده شهروندی کردند که در انکار آزادی‌های مدنی و سیاسی زنان و دیگر گروه‌های

اقلیت به کار گرفته شد. هرچند بسیاری از مباحثاتی که در خلال موج اول به وجود آمد، به فضای پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه در خلال تدوین منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر تسری یافت. نقطه مرکزی که پس از جنگ جهانی دوم در مورد زنان شکل گرفت، این تفکر بود که در توانایی عقلانی و توانایی خودمختاری فردی و تعیین سرنوشت خود، زنان و مردان یکسان بوده و از این رو، باید حقوق کامل شهروندی، حقوق استخدامی، حمایت‌ها و فرصت‌ها به آنان داده شود. اما دیگرانی هم بر این باور بودند که زن باید به مثابه گروهی با تمایزات جنسی متفاوت که نیازمند حمایت خاص است، مفهوم‌سازی شده و از این طریق است که زنان می‌توانند تعیین سرنوشت فردی خود و نیز خودحاکمیتی خویش را ارتقا بخشند (Lake, 2001:225). برای بسیاری از نظریه‌پردازان لیبرال، جنبش زنان موج اول، اصلی‌ترین راه برای رسیدن به برابری جنسی، استفاده از ابزارهای قانونی؛ مانند تعلیم و تربیت، حقوق کار و دیگر ابزارهاست. از نظر فمینیست‌های لیبرال، ایده «برابری» زن و مرد در کارهای اساسی در مباحثات نهادی مانند آنچه در سازمان ملل متحد انجام گرفته و نیز تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر نهفته است. هرچند، تنش‌های نظری میان دستورالعمل‌های فمینیست‌های رقیب در مورد عدم تبعیض و حمایت ویژه، تلاش‌های بلندمدتی را در جنبش حقوق بشر زنان از خود به جای گذاشته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اگرچه به‌طور مستقیم به حقوق زنان اشاره کرده است، اما به کوتاهی، ایده برابری جنسی را در ماده ۲ خود مورد خطاب قرار داده است: «تمامی انسان‌ها از آزادی و حقوق مندرج در اعلامیه صرف‌نظر از نژاد، تولد، مذهب، جنس، زبان، عقاید سیاسی و دیگر موقعیت‌ها بهره‌مندند». کسانی که در مورد در برگیری واژه «جنس» در ماده ۲ تأکید دارند، امید دارند که این ماده با برابر قرار دادن زنان با مردان به این نابرابری پایان دهند (Johnson, 1998:61).

۵. حق بر توسعه برای زنان در فرآیند تحولات نسل‌های حقوق بشر (توسعه جنسیتی)

از دیگر حقوقی که بویژه در نسل سوم برای زنان در نظر گرفته شده است، حق توسعه و صلح است که در این قسمت به بررسی حق بر توسعه زنان و تلاش‌های حقوقی که بویژه در این زمینه صورت گرفته را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد. منظور از حق بر توسعه برای زنان، پیش-بینی حقوقی است که در فرآیند توسعه انسانی برای زنان جوامع مطرح می‌شود. در واقع می‌توان ادعا کرد که حق برابری زنان در زمینه توسعه به یک امر جهانی تبدیل شده است. هرچند تحقق این حق با چالش‌هایی روبرو است که ریشه در نابرابری‌هایی دارد که بر زندگی آن‌ها حاکم است. در این بخش، تحول تاریخی رابطه بین زنان، حق بر توسعه و رهیافت‌های حقوق بشر محور، همراه با اجزای نظری که از بحث حقوق زنان، مبارزه برای برابری جنسیتی و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است را در این زمینه تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

برابری، صلح و توسعه از موضوعات اصلی دهه سازمان ملل برای زنان بودند. در خلال این دهه، یک تحول مفهومی از زن در توسعه به زن و توسعه و نهایتاً جنسیت و توسعه وجود داشت. اولین کنفرانس ملل متحد، درباره زنان که در مکزیک در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد، شرایط منتهی به فقر زنان را مورد ارزیابی قرار داده و اهمیت ادغام زنان را در توسعه برجسته کرد. نقطه کانونی در این بحث بر زن، در توسعه و نقد الگوهای توسعه غالب بود. رهیافت زن در توسعه، نقطه کانونی قابل توجهی در نقد الگوهای توسعه از چشم‌انداز زن-محور بود. فعالیت اقتصادی زنان مورد بررسی جدی قرار گرفت.

جدای از ایجاد نگرش نوین به نقش زنان در حوزه اقتصادی، کنفرانس شهر مکزیکو، فراخوان پیش‌نویس کنوانسیون در مورد حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان را داد. در واقع، این کنفرانس به دنبال افزایش و بهبود قانون‌گذاری در مورد برابری بوده است. از اهداف دیگر این کنفرانس، بهبود دسترسی زنان به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ از جمله بهبود در وضعیت سلامت و اقدامات بهداشتی بود. پس از این کنفرانس بود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های متعددی را پیرامون زنان در توسعه تصویب کرد (قطعنامه‌های ۳۵۲۲، ۳۵۲۳ و ۳۵۲۴).

گام بعدی، توجه عمیق‌تر به مفهوم جنسیت بود. مفهوم جنسیت و توسعه به راهی تعریف می‌شد که در آن نقش‌ها، گرایش‌ها، اولویت‌ها و روابط مربوط به زن و مرد برساخته اجتماع است و این که چگونه جنسیت، تجربیات زنان و مردان را شکل می‌دهد. رهیافت توسعه و جنسیت، به لحاظ نظری ریشه در فمینیسم سوسیالیست داشته و بر تحلیل‌های زیر تأکید داشت: الف) ساخت اجتماعی جنسیت، پرسش پیرامون اعتبار نقش‌ها، مسئولیت‌ها و انتظارات مختص زنان و مردان در جوامع گوناگون؛ چرا زنان به طور سیستماتیک نقش‌های درجه دو و دون‌پایه دارند. علاوه بر این، این دیدگاه زنان را به‌عنوان عاملان تغییر و دگرگونی می‌دیده نه گیرنده‌های منفعل. هدف نهایی نیز بررسی اساسی دوباره و شناخت توانایی‌های نهادها و ساختارهای اجتماعی بود. این رهیافت که تبعیض ساختاری را به چالش کشید و سرانجام باعث تدوین کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان شد.

دومین سند پیرامون زنان و توسعه، تحت عنوان برنامه عمل برای دهه زنان سازمان ملل متحد بود که هم بازتاب دهنده رهیافت زنان و توسعه و هم حرکت به سوی رهیافت جنسیت و توسعه بود. در نتیجه این برنامه، موانع پنهان توسعه؛ مانند تداوم حقوقی و عملی تبعیض علیه زنان و فقدان شناسایی تولید و بازتولید زنان را مورد انتقاد قرار داد. برنامه عمل، اولویت اصلی را به بهبود زندگی گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله زنان کشاورز قرار داد.

سومین کنفرانس جهانی در مورد زنان عبارت بود از: کنفرانس جهانی بررسی و ارزیابی دستاوردهای دهه سازمان ملل متحد برای زنان: برابری، توسعه و صلح. این کنفرانس، در سال ۱۹۸۵ در شهر نایروبی تشکیل شد. در این کنفرانس، راهبردهای آینده برای بهبود وضعیت زنان

مورد بررسی قرار گرفت و فقدان توسعه و پیشرفت در ایجاد فرآیند توسعه توسط دولت‌ها برجسته شد. این کوتاهی، منجر به اثر بحران اقتصادی، تجارت ناعادلانه از سوی دولت‌های توسعه یافته، فقدان مشارکت زنان در برنامه‌ریزی ملی توسعه و اهمیت کم به موضوعات مورد نگرانی زنان شده بود. توصیه‌های کنفرانس شامل؛ اقدام عاجل دولت‌ها در تصویب کنوانسیون و افزایش مشارکت زنان در تمامی بخش‌های توسعه بود که به اتفاق، در مورد حق بر توسعه، بر این باور بودند که پیشرفت‌هایی در شناسایی مشارکت زنان در توسعه به‌عنوان حقوق بشر، یکسال پس از آن که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حق بر توسعه را تصویب کرد، وجود داشته است. به دنبال پایان دهه، حق بر توسعه در مورد زنان ادامه یافت و توجه ویژه‌ای را در دیگر کنفرانس‌های ملل متحد و دیگر مجامع بین‌المللی بدست آورد.

در عین حال، مفهوم جنسیت هم در مفهوم توسعه و هم در گفتمان‌های دانشگاهی فمینیست ریشه پیدا کرد، ولی تلقی یکسانی از مفهوم جنسیت در این دو حوزه وجود نداشت. این اختلافات، در چهارمین کنفرانس جهانی در مورد زنان که در سال ۱۹۹۵ در پکن تشکیل شد، بروز کرد. در کنفرانس پکن، موضوع زنان و فقر در رأس دوازده نگرانی اساسی قرار گرفت. این کنفرانس، در واقع این حقیقت را برجسته کرد که زنان به طرزی نامتناسب تحت تأثیر فقر قرار دارند و اظهار داشت که فقر زنان مستقیماً به فقدان فرصت‌های اقتصادی، خودمختاری، فقدان دسترسی به منابع اقتصادی؛ از جمله اعتبارات، آموزش و خدمات حمایتی و مشارکت حداقلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط می‌شود (Williams, 2006: 6).

همان‌گونه که اشاره شد، برنامه ملل متحد برای توسعه سال ۲۰۰۰، بر گزارش سالانه توسعه انسانی بر پایه رهیافت حقوق بشرمحور متمرکز است که در آن توسعه انسانی، حقوق بشر و توسعه بر پایه حقوق بشر در هم تنیده می‌شود. تعامل مفهومی میان این سه، در مباحث مهمی بازتاب می‌یابد که به آن‌ها می‌پردازیم.

در واقع، گزارش برنامه ملل متحد برای توسعه (UNDP) بر پایه آثار اقتصاددان معروف، آمارتیا سن، در مورد توانایی‌های توسعه انسانی استوار است. از یکسو، توسعه انسانی هم به عنوان فرآیند و هم نتیجه نهایی انتخاب‌های مردم فهمیده می‌شود و با افزایش کارکرد انسانی و توانایی‌های مردم به دست می‌آید. سه توانایی اساسی مورد توجه است:

(۱) زندگی سالم و پایدار (۲) قابل شناسایی (۳) دسترسی مورد نیاز برای استانداردهای زندگی. توسعه انسانی، پوشش بیشتری از این نیاز را به دست می‌دهد؛ از جمله مشارکت، امنیت، پایداری و تضمین حقوق انسانی.

از سوی دیگر، رهیافت حقوق بشرمحور یک چارچوب مفهومی است برای پیشرفت توسعه انسانی بر پایه معیارهای حقوق بین‌الملل بشر که مستقیماً حقوق بشر را احترام، حمایت و اجرا می‌کند. علاوه بر این، به تجزیه و تحلیل نابرابری‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز و توزیع نابرابر قدرت می‌پردازد.

رهیافت حقوق بشر محور به دنبال عملیاتی کردن دو مفهوم است: اول اهدافی که توسط فرآیندهای ملی و بین‌المللی شناسایی و دنبال می‌شوند، باید با معیارهای حقوق بین‌الملل بشر سازگاری داشته باشد؛ از جمله طیف کاملی از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. دوم؛ این که روش‌های بکار رفته در توسعه باید با معیارهای حقوق بشر مطابقت داشته باشد، به‌ویژه در حقوقی چون دسترسی به اطلاعات، عدم تبعیض. علاوه بر این، برنامه توسعه ملل متحد به وضوح، اصلی بودن برابری در رهیافت حقوق بشر محور را مورد تأکید قرار می‌دهد. رهیافت حقوق بشر محور، تحویل منافع مورد انتظار زنان را مدیریت نکرده است. این کوتاهی، دلایل گوناگونی داشت که یکی از آن دلایل، فقدان شفافیت مفهومی است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، بحث قابل توجهی در مورد ابهام و سردرگمی در نظام ملل متحد این که دقیقاً جنس چه معنا دارد، وجود دارد؛ درباره این که چگونه چشم‌انداز جنسیتی می‌تواند در بخش‌های مختلف اجرا شود و مشارکت چگونه باید و می‌تواند اجرا شود. در نظام سازمان ملل متحد، جنسیت معادل جنس (Sex) و معادل زن تلقی می‌شود. حتی رهیافت جنسیت‌محور در تفسیر کنوانسیون از بین بردن تمامی اشکال تبعیض علیه زنان دیده می‌شود. واژه «سکس» (جنس) به تفاوت‌های بیولوژیک میان مرد و زن اشاره دارد. واژه «جنسیت» (Gender) به هویت‌های جامعه ساخت، ناپیچ و نقش‌های زنان و مردان و معنی فرهنگی و اجتماعی این تفاوت‌های بیولوژیک در روابط سلسله مراتبی میان زنان و مردان و در توزیع قدرت و حقوق مردان اشاره دارد. در عین حال، حقوق زنان با رهایی از تبعیض سکس‌محور یکی از اصول بنیادین ملل متحد است و این امر ایجاب می‌کند که در سطح دولت‌ها تلاش‌های زیادی برای این امر صورت گیرد.

بنابراین، بتدریج با تلاش‌هایی که صورت گرفت، رهیافت جنسیت‌محور (Gender)، راه خود را در اسناد بین‌المللی و سازمان ملل متحد باز کرد و از سال ۲۰۰۰ بدین سو، به‌طور فزاینده‌ای بر حقوق زنان متمرکز شد. کمیته حقوق بشر که بر اجرای میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی نظارت می‌کند، هزاره جدید را با تصویب تفسیر عمومی شماره ۲۸، بر برابری میان زنان و مردان تأکید کرد. این تفسیر، تلاش قابل تحسینی در ادغام یک چشم‌انداز جنسیتی (Gender) در خوانش معاهدات بین‌المللی است.

همچنین کنوانسیون لغو تمامی اشکال، تبعیض علیه زنان بر رهیافت و چشم‌انداز جنسیتی توسعه توجه داشته و تمامی دولت‌ها را به مشارکت زنان در برنامه‌ریزی توسعه و تضمین این که زنان در تمامی حوزه‌ها فعالیت داشته و مشارکت کنند؛ از جمله مذاکرات تجاری فرا می‌خواند. همچنین، این کنوانسیون به‌طور منظم، ناکامی و کوتاهی دولت‌ها را در تضمین دسترسی زنان به زمین و دیگر منابع؛ از جمله اعتبارات، وام، آموزش و سلامت نظارت می‌کند. علاوه بر این، اعلامیه هزاره ملل متحد نیز بر اهمیت توانمندسازی زنان با ایجاد ارتباط بین اهداف توسعه و اهمیت برابری جنسیتی تأکید می‌کند. لازم به یادآوری است که زنان در کنار

دیگر گروه‌ها؛ از جمله اطفال و کودکان توجه خاصی را به خود جلب کرده‌اند. هدف سوم این اعلامیه اظهار می‌دارد که دولت‌ها باید برابری جنسیتی را فراهم کرده و از دیگر سو آنان را توانمند کنند. این تأکید بر زنان، شناسایی این واقعیت است که تبعیض تجربه شده توسط زنان بر شانس‌های زندگی آنان تأثیر گذاشته و توانایی آن‌ها را در بهره‌مندی از حقوق انسانی‌شان کاهش داده است. علاوه بر این، همان‌طور که اعلامیه تأکید می‌کند، تشویق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، راه‌های کارآمدی برای مبارزه با فقر، گرسنگی و بیماری‌ها است و همچنین باعث توسعه‌ای به واقع پایدار می‌گردد (Bunivic.2008: 48).

نهایت آنکه، در حالی که تلاش‌هایی زیادی برای ادغام تجربیات زنان در گفتمان توسعه و حقوق بشر صورت گرفته، شرایط و موقعیت زنان در جهان کنونی حاکی از آن است که دانشی که ما به دست آورده‌ایم، منجر به بهبود قابل انتظار زندگی آنان نشده است. علاوه بر تبعیض‌های جاری، زنان از مشارکت در سطح تصمیم‌گیری در حوزه عمومی و نیز در تصمیمات مربوط به توزیع منابع، اندازه خانواده و چگونگی مصرف درآمد در سطح خانواده محروم هستند.

۶. تحولات حقوق زنان در جهان اسلام، ابتکارات سازمان همکاری اسلامی

۶-۱. نهادسازی در خصوص حمایت از حقوق زنان در سازمان همکاری اسلامی

- کنفرانس‌های وزیران سازمان همکاری اسلامی در خصوص زنان
کنفرانس وزیران خارجه اسلامی سازمان همکاری اسلامی درسی در دومین اجلاس خود در صنعا، قطعنامه‌ای تحت عنوان «زنان مسلمان و نقش آنان در توسعه جامعه اسلامی» را تصویب کرد و در آن خواستار سازماندهی کنفرانسی در سطح وزیران، برای بررسی موضوع زنان و مطالعه راه‌ها و شیوه‌های گسترش فرصت‌ها برای زنان در تمامی ابعاد حیات اجتماعی جهت ایفای نقش مؤثر در توسعه جوامع اسلامی گردید. تعاقب مصوبه یاد شده، کنفرانس‌های مورد نظر به ترتیب در استانبول ترکیه در سال ۲۰۰۶، قاهره مصر سال ۲۰۰۸، تهران، ایران، سال ۲۰۱۰، جاکارتا اندونزی ۲۰۱۲، باکو آذربایجان سال ۲۰۱۴ و استانبول ترکیه سال ۲۰۱۶ برگزار شدند. در قطعنامه مصوب صنعا همچنین از کنفرانس وزیران خواسته شده بود تا پیشنهادی برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی، برای ظرفیت‌سازی زنان جهت ایفای نقش فعال در تمامی ابعاد زندگی در دول عضو سازمان همکاری اسلامی را تدوین نماید (صفاری نیا، ۱۳۹۸: ۴۱).

دومین کنفرانس وزیران، در خصوص نقش زنان در توسعه دول عضو در قاهره مصر، طی ۲۶ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۸ برگزار شد. در این کنفرانس، پیرو توصیه اولین کنفرانس وزارتی، پیش‌نویس برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای زنان تحت عنوان برنامه عمل قاهره، تدوین و تصویب شد. دستور کار کنفرانس مزبور عبارت بود از: ۱. دیدگاه دول عضو در خصوص ارتقای زنان در جوامع اسلامی و اولویت‌های اقدام مشترک ۲. رفع فقر، توسعه پایدار و اصل حمایت و منابع ضروری به‌عنوان بنیادهای اصلی برای تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان در تمامی

سطوح. ۳. مشارکت زنان در ساز و کارهای تصمیم‌گیری در سطوح محلی و ملی. ۴. فرصت‌های برابر برای زنان از طریق اصل آموزش و مراقبت سلامتی و رشد مشارکت و محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان؛ از جمله مبارزه با خشونت علیه زنان. ۵. بررسی جامع در خصوص وضعیت زنان در جوامع اسلامی. ۶. پیگیری اجرای برنامه عمل قاهره. در این کنفرانس همچنین تأسیس سازمان پیشرفت زنان که مقرآن در قاهره باشد، تصویب شد. (OIC/2-WCOD/2008/REP.FINAL, 2008).

سومین کنفرانس وزارتی در خصوص نقش زنان در توسعه دول عضو سازمان همکاری اسلامی در تهران، از ۱۹ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰ برگزار شد. در این کنفرانس، مسائل و چالش‌های پیش روی زنان در کشورهای عضو به‌ویژه موضوع زنان، خانواده و اقتصاد با هدف قادر ساختن زنان به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی همگام با ایفای نقش اساسی آن‌ها در خانواده مورد بررسی قرار گرفت. در اعلامیه پایانی این کنفرانس، با به رسمیت شناختن حقوق برابر تمامی زنان، صرف‌نظر از دین، رنگ و نقش مهم و خلاقانه آنان در خانواده، به نقش زنان در مدیریت مصرف در خانواده، نفوذ زنان در اصلاح الگوی مصرف در خانواده و در آموزش به نسلی پیشرو با الگوی مصرف پایدار تأکید شده است. همچنین با صحنه گذاشتن بر نقش زنان در خانواده و حمایت از آنان در برابر هرگونه آسیبی، فراهم آوردن فرصت‌های شغلی برای زنان که نوآوری آنان را توسعه دهد، مورد تأیید قرار گرفته است. در این کنفرانس، از پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای تأسیس یک مرکز مطالعات خانواده به‌عنوان یک نهاد علمی پژوهشی استقبال شده است. (OIC/3-WCOD/2010/DEC, 2010).

چهارمین کنفرانس نقش زنان در توسعه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در جاکارتای اندونزی در ۴-۶ دسامبر ۲۰۱۲، تحت عنوان تقویت مشارکت و نقش زنان در توسعه اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برگزار شد. در اعلامیه پایانی این کنفرانس، با به رسمیت شناختن اهمیت خانواده در فرایند پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی و این که موضوع خانواده باید همچنان بخشی از گفتگوها در تمامی جلسات مربوط به زنان در سازمان همکاری اسلامی باشد، نسبت به تحقق رویکرد جنسیتی به‌عنوان راهبردی کلیدی برای حصول تساوی جنسیتی، عدالت جنسیتی و توانمندسازی زنان در تمامی حوزه‌ها ابراز تعهد شده است. همچنین با هدف توانمندسازی زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، همگام با اجرای نقش اصلی آن‌ها در خانواده، بر ضرورت ارائه فرصت‌های برابر برای زنان در بازار کار و تسهیل دسترسی آنان به ابزارهای لازم؛ از جمله امکانات مالی تأکید شده است. در این کنفرانس، فقر به‌عنوان مانع اصلی توانمندسازی زنان به شمار آمده و بر ضرورت رفع فقر زنان و قانون‌گذاری مناسب جهت کاهش محرومیت اقتصادی و اجتماعی زنان و بهبود شرایط مادی و معنوی آنان تأکید گردیده است. در این کنفرانس، از دولت‌های عضو خواسته شد تا اساسنامه سازمان پیشرفت زنان را امضا کرده و بدان ملحق شوند تا سازمان قادر شود به وظایف خود عمل

کند و نقش زنان در توسعه اقتصادی دول عضو سازمان همکاری اسلامی تقویت شود (OIC/4- WCOD/2012/DEC/FINAL, 2012).

پنجمین کنفرانس نقش زنان در توسعه دول عضو سازمان همکاری اسلامی، با عنوان نقش زنان در توسعه پایدار در باکوی جمهوری آذربایجان طی ۲۰ - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۴ برگزار شد. موضوعاتی که در این کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت، عبارتند از: توانمندسازی زنان، رفع فقر، حصول تساوی جنسیتی، افزایش مشارکت زنان در ساز و کارهای تصمیم‌گیری، فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای زنان در جامعه؛ از جمله دسترسی به آموزش با کیفیت و مراقبت سلامتی، رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، از جمله: مبارزه با خشونت علیه زنان و توسعه معیارها و مطالعات معطوف به عمل. در این کنفرانس، توصیه شد که باید یک ارزیابی از برنامه عمل ارتقای زنان به عمل آید (صفاری نیا، ۱۳۹۸: ۴۴).

ششمین کنفرانس وزارتی زنان در استانبول ترکیه با عنوان جایگاه زنان در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در پرتو چالش‌های موجود طی ۱ تا ۳ نوامبر سال ۲۰۱۶ برگزار شد. در این کنفرانس، قطعنامه‌های تصویب شده در خصوص تأسیس یک شورای مشورتی زنان که به- عنوان یک سازوکار مشاوره‌ای برای کنفرانس عمل نماید و توصیه‌های راهبردی در خصوص موضوعات مرتبط با توانمندسازی و ارتقای زنان ارائه دهد. در این قطعنامه، از دولت‌های عضو خواسته شده است تا زنان شاخص را به‌عنوان کاندیدا برای عضویت در شورا معرفی نمایند و هر سه گروه جغرافیایی با مشورت از میان کاندیداهای خود، سه نفر را انتخاب نمایند. شورا شامل ۹ عضو خواهد بود که به مدت ۲ سال و با امکان تمدید یک دوره دیگر به انجام وظیفه بپردازند. در این کنفرانس، برنامه عمل ارتقای زنان و ساز و کار اجرایی آن نیز مورد بازنگری قرار گرفت. همچنین از دول عضو خواسته شد که اساسنامه سازمان توسعه زنان را تصویب نمایند (OIC/6- WCOD/2016/DEC/FINAL, 2016).

۶-۲. سازمان توسعه زنان سازمان همکاری اسلامی

همانگونه که در مباحث پیشین ارائه شد، برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای زنان، خواستار تأسیس یک ارگان فرعی سازمان همکاری اسلامی شد که مأمور مخاطب قرار دادن نقش زنان در پیشرفت جوامع کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی باشد. در همین راستا، در ماه می ۲۰۱۰، شورای وزیران خارجه سازمان همکاری اسلامی، اساسنامه سازمان توسعه زنان را تصویب کرد. سازمان توسعه زنان با اجرای قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان همکاری اسلامی موظف به نظارت بر روند ارتقای نقش زنان در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با ظرفیت‌سازی، مهارت و توانمندسازی به طرق مختلف؛ از جمله آموزش و بازپروری مطابق با اصول ارزش‌های اسلامی می‌باشد (Blitt, 2016:32). در ماده ۵ اساسنامه سازمان تصریح شده که این نهاد باید نقش اسلام در محافظت از حقوق زنان مسلمان به‌ویژه در

مجامع بین‌المللی را که سازمان در آن‌ها دخیل است، برجسته سازد. اهداف و وظایف در نظر گرفته شده در اساسنامه این سازمان، به نهاد مزبور اجازه نمی‌دهد که مستقیماً در گفت‌وگو با حقوق بشر زنان ورود کند. در عوض، هدف آن تسهیل مشارکت زنان در توسعه و مواجهه با کلیشه‌های منفی از زنان در جوامع مسلمان تعیین شده است.

۶-۳. اجرایی ساختن سیاست‌ها و برنامه‌ها

مهم‌ترین رویکرد اخیر، سازمان همکاری اسلامی در بحث حقوق زنان، اجرایی ساختن «برنامه عمل سازمان برای ارتقای جایگاه زنان» در ۲۰۰۸ است.

۶-۳-۱. برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای جایگاه زنان: این برنامه، به دنبال منشور جدید سازمان همکاری اسلامی تدوین شد و اولین تلاش هماهنگ سازمان برای پرداختن به موضوع تبعیض علیه زنان بود. در مقدمه سند آمده است: زنان، امروزه از طرد و به حاشیه رانده شدن رنج می‌برند و با مشکلاتی مواجه می‌باشند که مانع از مشارکت آن‌ها در حیات اجتماعی و سایر حوزه‌ها می‌گردد. در حالی که برنامه عمل، به چالش آداب و رسوم تبعیض‌آمیز در حصول برابری زنان اشاره می‌کند، اما تعریف برنامه از برابری مبتنی بر هنجارهای مذهبی است که نقش خاصی برای زنان قائل است و متفاوت از مردان می‌باشد و مجموعه حقوق و وظایف مختص به آنان نه همان حقوق و وظایف مشترک با مردان مد نظر است. همین واقعیت با رویکرد کشورهای اسلامی در الحاق به سیدا همخوانی دارد، زیرا بیشترین حق شرط‌های کلی و ویژه بر سند یاد شده را مبتنی بر قوانین شریعت دانسته‌اند.

در مقدمه برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای جایگاه زنان به تعهدات دولت‌های عضو سازمان همکاری اسلامی در قبال اسناد و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی به ویژه اعلامیه و برنامه عمل پکن، مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زنان ۱۹۹۵، بیست و سومین اجلاس ویژه مجمع عمومی با عنوان ۲۰۰۰، تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱ و الحاق به اصول پیمان‌نامه منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان مطابق با ارزش‌های اسلامی عدالت و برابری و اولین کنفرانس وزراتی سازمان در خصوص زنان در استانبول اشاره شده است.

این برنامه، به عنوان سندی برای یافتن راه‌ها و شیوه‌های حمایت از زنان، در برابر عدم تساوی و تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و بهبود شرایط و پیشبرد جایگاه زنان به شمار آمده است.

در مقدمه سند مزبور، به چشم‌انداز کلی سازمان همکاری اسلامی در خصوص موارد تالی پرداخته شده است: ۱. پیشرفت زنان بر پایه عدالت اجتماعی، توجه متمایز به زنان، آموزش زنان در تمامی سطوح. ۲. افزایش مشارکت زنان در ساز و کارهای تصمیم‌گیری از سطوح محلی تا ملی، ۳. ارائه فرصت‌های برابر برای زنان از طریق دسترسی به آموزش با کیفیت، مراقبت سلامتی و مشارکت. ۴. رفع تمامی اشکال تبعیض؛ از جمله مقابله با خشونت علیه زنان.

جهت حصول اهداف فوق، در ذیل هر یک از آن‌ها در برنامه مذکور، انجام تدابیر و فعالیت‌های لازم توسط دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در نهایت، دولت‌های عضو متعهد به انجام اقداماتی در جهت بهبود دستاوردها برای زنان در حوزه‌های آموزش، سلامت، مشارکت سیاسی، پایداری اقتصادی، رفاه و عدالت اجتماعی و تعادل کار زندگی شده‌اند.

۲-۳-۶. ساز و کار اجرایی برنامه و تحولات آن: در سومین کنفرانس وزرای همکاری اسلامی، در خصوص نقش زنان در دسامبر ۲۰۱۰ در تهران، ساز و کار اجرایی برنامه عمل سازمان برای ارتقای زنان مورد تصویب قرار گرفت. در این ساز و کار اجرایی، بیست اقدام در سطح دولت‌های عضو و سازمان، سه اقدام در سطح جامعه مدنی و پنج اقدام برای رسانه‌ها در نظر گرفته شده است. چند سال بعد، برنامه عمل سازمان همکاری اسلامی برای ارتقای زنان، مورد بازنگری قرار گرفت و برنامه عمل جدید در ششمین اجلاس وزرا در خصوص نقش زنان در توسعه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در نوامبر ۲۰۱۶ در ترکیه تصویب شد. در این برنامه، عمل جدید نه هدف برشمرده شده‌اند؛ مشارکت در تصمیم‌گیری، آموزش، سلامت، توانمندسازی اقتصادی، حمایت اجتماعی، حمایت از زنان در برابر خشونت، زنان در شرایط بحران، زنان در بلایای طبیعی و زنان در منازعات مسلحانه. ذیل این اهداف، اهداف فرعی دیگری ذکر شده‌اند (OPAAW.2016).

در سال ۲۰۱۶، سازوکار اجرایی گذشته مربوط به برنامه عمل ارتقای زنان نیز مورد بازنگری قرار گرفت و سازوکار اجرایی جدید به صورت ماتریکس تنظیم شد که در آن اهداف، تدابیر، معیارها، ارکان مسئول و چارچوب زمانی اجرا همانند سازوکار اجرایی برنامه عمل ۲۰۲۵ تنظیم شده است. شایان ذکر است؛ در برنامه عمل جدید برای زنان، بر سلامت و ترویج فعالیت‌های اقتصادی زنان مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلام تأکید شده و این که حقوق زنان در دولت‌های عضو باید مورد احترام و رعایت قرار گرفته و به نحوی که زنان توانمند شده و مشارکت فعال و کامل در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشند تا با بهره‌مندی از حقوق خود و ایفای وظایفشان، به ترویج گفتگو و تعامل سازنده در جهت کمک مؤثر به ملت‌سازی بپردازند. همچنین تصریح گردیده است که در چارچوب برنامه عمل دهساله دولت‌های عضو در جهت تهیه پیش‌نویس میثاق حقوق زنان در اسلام که خواستار عدالت جنسیتی در تمامی عرصه‌های زندگی می‌باشد، اقدام خواهند کرد. اهداف برنامه یاد شده، حول چهار محور تجلی یافته که عبارتند از: رفع فقر، حصول توسعه پایدار و اصل حمایت و منابع کافی به‌عنوان عناصر لازم برای حصول تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان. (OPAAW.2016)

در هفتمین کنفرانس وزرای اسلامی، در مورد نقش زنان در پیشبرد توسعه برای کشورهای عضو OIC که با عنوان «جلسه توانمندسازی زنان در کشورهای عضو: چالش‌ها و چشم‌اندازها» در اوآگادوگو، بورکینافاسو ۲۰۱۸ برگزار شد، قطعنامه‌های متنوعی در این موضوع به تصویب رسید.

هفتمین کنفرانس وزیران اسلامی در مورد نقش زنان در پیشبرد توسعه برای کشورهای عضو

در کنفرانس مزبور که با عنوان «جلسه توانمندسازی زنان در کشورهای عضو: چالش‌ها و چشم‌اندازها» در اوآگادوگو، بورکینافاسو ۲۰۱۸ برگزار شد، ۱۷ قطعنامه با عناوین متعدد مرتبط با نقش زنان در توسعه تصویب شد.^۱ (Ouagadougou, 2018).

بر اساس قطعنامه نخست با عنوان «توسعه برای زنان فلسطینی»^۲ اعلام می‌شود که اشغال اسرائیل همچنان مهم‌ترین مانعی است که زنان فلسطینی را از پیشرفت، خوداتکایی و تعامل در توسعه جامعه خود باز می‌دارد و نقض اشغال غیرقانونی اسرائیل، در حقوق زنان و دختران فلسطینی را تقبیح می‌کند.

قطعنامه سپس از کشورهای عضو می‌خواهد که در جهت وادار کردن اسرائیل، دولت اشغالگر، به پیروی کامل از مفاد و اصول اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر، مقررات پیوست شده با کنوانسیون چهارم لاهه از ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، کنوانسیون حفاظت از ژنو، افراد غیرنظامی در زمان جنگ و اصول و میثاق‌های مربوط به حقوق بین‌الملل تلاش کنند.

قطعنامه همچنین از جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا مسئولیت‌های خود را در قبال مردم فلسطین به عهده گرفته و همچنان توجه لازم را جهت ارتقا و حمایت از حقوق زنان و دختران فلسطینی مورد توجه قرار دهد. در ادامه قطعنامه از کشورهای عضو می‌خواهد تعهدات خود در مورد بازسازی غزه را رعایت کرده و کمک‌های بشردوستانه مورد نیاز را برای کاهش درد و رنج زنان و دختران فلسطینی در نوار غزه ارائه دهند.

۱. قطعنامه W-۷/۱ در مورد توانمندسازی زنان فلسطینی.
۲. قطعنامه W-۷/۲ در مورد ارتقای علوم، فناوری، مهندسی و آموزش ریاضی به زنان جوان.
۳. قطعنامه W-۷/۳ درباره جایزه OIC برای دستاوردهای زنان.
۴. قطعنامه W-۷/۴ درباره اقدام مشترک برای توانمندسازی زنان پناهنده و آواره.
۵. قطعنامه W-۷/۵ در مورد ابتکارات و اقداماتی که تحت ریاست ترکیه در ششمین جلسه کنفرانس انجام شده است.
۶. قطعنامه W-۷/۶ درباره شرایط جایزه OIC برای دستاوردهای زنان.
۷. قطعنامه W-۷/۷ در مورد دستورالعمل‌های تهیه، تهیه و ارائه گزارش‌های اجرای OPAAW.
۸. قطعنامه W-۷/۸ درباره شورای مشورتی زنان کنفرانس.
۹. قطعنامه W-۷/۹ در مورد نقش زنان در حل اختلافات و صلح اجتماعی (با توجه به قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل).
۱۰. قطعنامه W-۷/۱۰ در مورد عمومی‌سازی مفهوم بانک خانواده در کشورهای عضو OIC.
۱۱. قطعنامه W-۷/۱۱ در مورد ایجاد بازار دائمی محصولات زنان و توانمندسازی زنان در اردن.
۱۲. قطعنامه W-۷/۱۲ در مورد تغییر نام کنفرانس به «کنفرانس وزرای OIC در مورد زنان».
۱۳. قطعنامه W-۷/۱۳ در مورد توانمندسازی سیاسی و ارتقای رهبری زنان.
۱۴. قطعنامه W-۷/۱۴ در مورد توانمندسازی اقتصادی زنان.
۱۵. قطعنامه W-۷/۱۵ در مورد توانمندسازی اجتماعی زنان.
۱۶. قطعنامه W-۷/۱۶ در مورد حمایت از زنان.
۱۷. قطعنامه W-۷/۱۷ در مورد ایجاد کمیته انتخاب OIC برای توانمندسازی زنان

2. Development of Palestinian Women

در قطعنامه دوم موسوم به «ارتقای آموزش علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات برای زنان»^۱ از کشورهای عضو می‌خواهد تا اقدامات قانونی و اجرایی برای ارائه برنامه‌های توسعه برای زنان، با هدف جبران فاصله بین آموزش زنان و تقاضاهای بازار کار اتخاذ کنند. در قطعنامه هشتم با عنوان «نقش زنان در توسعه کشورهای عضو سازمان»^۲ تأکید ویژه‌ای بر روند نقش زنان برای توسعه کشورهای عضو دارد (Resolutions Adopted by The (Seventh... 2018).

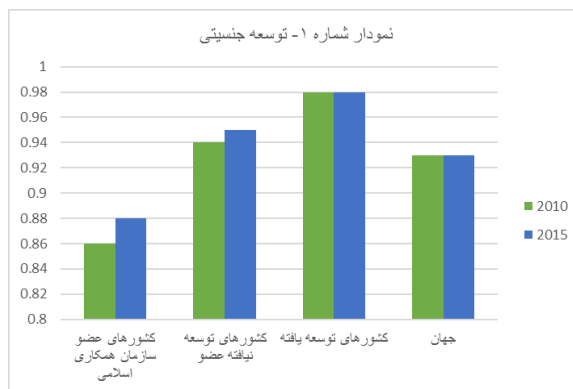
۷. نگاه تطبیقی به شاخص‌های معنادار بر اساس داده‌های آماری

در این قسمت دو موضوع محوری تحولات حقوق زنان در جهان و جهان اسلام مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۷-۱. شاخص توسعه جنسیتی (GDI^۳)؛ از جمله عوامل نشان دهنده میزان پیشرفت وضعیت و حقوق زنان در جهان اسلام در مقایسه با مجموعه جامعه جهانی است. نمودار مقایسه‌ای این شاخص در سال ۲۰۱۶، وضعیت کلی این شاخص را میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و جهان ترسیم می‌سازد (Human Development Report (Office (2016).

البته این نمودارها عمدتاً بر اساس شاخص‌های انگاره‌های لیبرالیستی تنظیم شده است، ولی منبع ارزیابی‌های انجام شده، نهادهای سازمان همکاری اسلامی است؛ لذا می‌تواند ترسیم‌گر شرایط کلی کشورهای اسلامی باشد.

نمودار ۱: مقایسه شاخص توسعه جنسیتی زنان در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و جهان



Source: Sesric. Report 2018:17

1. Promoting Science, Technology, Engineering and Mathematics (STEM) Education for Women
2. The Role of Women in the Development of the OIC Member States
3. Gender Development Index

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، شاخص مزبور در کشورهای عضو سازمان، تفاوت زیادی با کشورهای سایر نقاط جهان ندارد و این حکایت از روند مثبت توجه ویژه به حقوق زنان در کشورهای اسلامی دارد.

از طرف دیگر، شاخص مزبور شامل: شاخص‌های میزان تفاوت (تفریق)، ارزیابی مردان و زنان در ارتباط با متغیرهای چهارگانه می‌گردد که عبارتند از: مدت امید برای حیات و زندگی، مدت مورد انتظار برای تحصیل، تعداد سنوات تحصیلی متوسطه و نرخ درآمد (Human Development Report Office. 2016).

جدول ۱: وضعیت اجزای شاخص توسعه جنسیتی در کشورهای عضو، جهان و در حال توسعه

میانگین کشورهای در حال توسعه	میانگین کشورهای جهان	میانگین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی	نرخ توسعه جنسیتی
۰٫۹۱۳	۰٫۹۳۸	۰٫۸۶۹	تفاوت در امید به زندگی (میان زن و مرد)
۳٫۷	۴٫۲	۵٫۲ سال	تفاوت سال‌های تحصیلی مورد انتظار (میان زن و مرد)
-۰٫۱	۰٫۱	۰٫۵ سال	تفاوت سال‌های تحصیلی در واقعیت (زن و مرد)
-۱٫۴	-۱٫۱	-۰٫۳ سال	نسبت حقوق دریافتی (مرد/زن)
۲	۱٫۸	۲٫۹	

Source: Human Development Report Office. 2016:7

جدول یک: وضعیت بخشی از شاخص‌های توسعه جنسیتی را به صورت تطبیقی ترسیم کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مقوله تفاوت سنوات، امید به زندگی میان مردان و زنان، این تفاوت در کشورهای اسلامی در مقایسه با جهان بیشتر است و حکایت از این دارد که در کشورهای اسلامی، مردان نگاه امیدوارکننده‌تری در زمینه طول عمر خود نسبت به زنان دارند. تفاوت در شاخص سال‌های مورد انتظار، برای تحصیل هم در کشورهای اسلامی میان زنان و مردان به مراتب خیلی بیشتر از وضعیت همین شاخص در جهان و کشورهای در حال توسعه است. شاخص نسبت حقوق دریافتی مردان نسبت به زنان در کشورهای اسلامی از همین شاخص در کشورهای در حال توسعه و جهان بیشتر است و این امر بیانگر نوعی تفاوت و فاصله یا شکاف جنسیتی است.

۸. نتیجه‌گیری

در تاریخ تحولات حقوق زنان شاهد جنبش‌های اجتماعی آن‌ها از اواخر قرن نوزدهم در قالب موج‌های فمینیستی و حقوقی و نیز شاهد تلاش‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی جهت تدوین و برقراری قواعد و قوانین حقوقی به منظور برقراری و احیای حقوق زنان در عرصه‌های مختلف بوده‌ایم. در انطباق با تحولات حقوق بشر که در قالب چهار نسل در مقاله به آن توجه شده، مشخص شد که در پرتو این چهار نسل، حقوق زنان با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی نیز پیشرفت قابل توجهی در شکل قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی، اعلامیه‌های مجمع عمومی و معاهدات بین‌المللی پیدا نموده است.

این تحولات در جهان اسلام نیز نه از باب تقلید و یا پیروی از غرب، بلکه به واسطه درک عمیق خود از مبانی و ارزش‌های اسلامی در خصوص حقوق زن، انعکاسی قوی داشته و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را میان کشورهای دنیای اسلام به موازات تحولات جهانی شاهد هستیم. سازمان همکاری اسلامی، توجه ویژه‌ای را به موضوع حقوق زنان در قالب مباحث توسعه مبذول داشته است. البته هدف سازمان همکاری اسلامی، دنباله‌روی از الگوها و سیاست‌های سازمان ملل نبوده، بلکه سعی داشته بر اساس تحولات جامعه بشری که رویکرد توسعه دارد، ظرفیت‌های جهان اسلام و اندیشه اسلامی را در این حوزه‌ها گسترش بخشد.

سازمان همکاری اسلامی تلاش نموده است تا درک خود از حقوق زنان را بر مبنای شریعت اسلامی، عرف و معاهدات بین‌المللی در چارچوب سند تأسیس سازمان، اعلامیه «اوآگادوگو» سال ۲۰۰۵ و برنامه عمل سازمان در خصوص ارتقای حقوق زنان و اسناد متعدد دیگر ارائه دهد. در این اسناد، دو موضوع محوری تحول حقوق زنان؛ شامل توسعه جنسیتی و مقابله با نابرابری جنسیتی مورد توجه بوده است. در گزارش‌های آماری، پیشرفت وضعیت زنان در کشورهای اسلامی در محورهای مذکور در مقایسه با وضعیت جهانی ارائه شده است.

در هفتمین کنفرانس وزرای اسلامی در مورد «نقش زنان در پیشبرد توسعه برای کشورهای عضو» در جلسه موسوم به «توانمندسازی زنان در کشورهای عضو: چالش‌ها و چشم‌اندازها» در ۲۰۱۸، تعداد ۱۶ قطعنامه مهم در خصوص بهبود شرایط حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی زنان در کشورهای عضو به تصویب رسید که ارتقای چشمگیری را در خصوص حقوق نسوان مطرح می‌ساخت.

فرضیه تحقیق بر این نکته اشاره دارد که جهان اسلام ضمن حفظ ارزش‌های دینی و هویتی خود همانند تحولات حقوق بشری در جهان به‌ویژه در بحث توسعه، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. شایان ذکر است که در ارتباط با شاخص توسعه جنسیتی تفاوت معناداری میان تحولات جهان و جهان اسلام وجود ندارد، ولی در شاخص توسعه نابرابری جنسیتی تفاوت، قابل مشاهده است که تفاوت مزبور نه از باب بی‌توجهی جهان اسلام، بلکه ناشی از تفاوت ریشه‌ای در جهان بینی مکتب اسلام از انگاره‌های لیبرالیستی است.

کتابنامه

- جلالی، محمود و صفورا بنی‌نجریان (۱۳۸۶) «مطالعه تاریخی وضعیت سیاسی - حقوقی زنان در جهان از آغاز تاکنون»، فصلنامه سیاست، ۴۰(۴): ۶۳-۸۲.
- صفاری‌نیا، محیا (۱۳۹۸) «رویکرد سازمان همکاری اسلامی در زمینه ارتقای حقوق زن»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶(۲): ۲۵-۵۴.
- طباطبایی، جعفر و ابومحمد عسگرخانی (۱۳۹۸) «بررسی و تحلیل نقض نسل سوم حقوق بشر از ناحیه تحریم‌های امریکا»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۰(۳۹): ۱۲۲-۱۴۲.

- کولایی، الهه و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۵) «تقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، پژوهش زنان، ۴(۲۰۱): ۳۳-۶۰.
- مقتدایی، عباس (۱۳۹۰) «بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳): ۱۱۵-۱۳۴.
- وکیل، امیرساعتد و عسگری، پوریا (۱۳۸۳) «نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)»، تهران: مجد، ۱۳۸۳.
- وردی‌زاده، حمید (۱۳۹۱) «بررسی تطبیقی حقوق زن، در حقوق جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها»، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز. ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۱. ۱-۲۱.

References

- Blitt, Robert C,(2016) "*Equality and Nondiscrimination Through the Eyes of an International Religious Organization: The Organization of Islamic Cooperation (OIC) Response to Women`s Rights and Sexual Orientation and Gender Identity Rights*". **Legal Studies Research Paper Series**. The University of Tennessee. Research paper .No. 291. August 2016. PP.1-67.
- Buvinic and others(2015) "*Equality for women*" (world Bank: 2008).
- Gouda, Moamen; Potrafke, Niklas (2016) "*Gender Equality in Muslim-Majority Countries*", **CES ifo Working Paper**, No. 5883, Center for Economic Studies and ifo. Institute (CES ifo), Munich.2016
- Human Development Report Office (2016) UNDP Human Development Report . STATISTICAL BRIEFING, Organization of Islamic Cooperation (OIC):Statistical Briefing Based on the 2016 Human Development Report .
- Jalali, Mahmoud and Safoura Bani Najarian (2007) "Historical study of the political-legal situation of women in the world from the beginning until now", *Quarterly Journal of Politics*, 40 (4): 63-82. (In Persian).
- Johnson, M.(1998) "*A Mayna Charta for Mankind: Writing the Universal Declaration o Human Rights*" (Paris: Unesco, 1998).
- Koolaei, Elahe and Mohammad Hossein Hafezian (2006) "The Role of Women in the Development of Islamic Countries", **Women's Research**, 4 (1 and 2): 33-60.(in Persian).
- L. Williams, (2006)"Towards an Emerging International poverty Law" in L. William (ed) "*International poverty Law*".(London: Zed books , 2006).
- Lake, M(2001) "*From self – Determination via protection to Equality via Non-Discrimination: Defining women's Rights at the League of Nations and the United Nations*".(Newyork, Palgrave, 2001).
- Moqtadaei, Abbas (2011) "A Comparison of the First Generation of Human Rights in Western Civil Society with Islamic Principles", **Applied Sociology**, 22 (3): 115-134.(in Persian).

- OPAAW, The Mechanism for Implementation, (2016) Adopted by the Sixth Session of the Ministerial Conference on the Role of Women in the Development of OIC Member States, Turkey.
- OPAAW. OIC Plan of action for The Advancement of Women (2016). Adopted by the Sixth Session of the Ministerial Conference on the Role of Women in the Development of OIC Member States, Turkey.
- Popescu, Sofia “*Legal Sociology*” (Bucharest: (1996).
- Razmi, Mohammad Javad, Ezatollah Abbasian, & Maliheh Broghani (2012) “*The relationship between Women's Empowerment and HDI in Islamic countries*” **International Journal of Business and Behavioral Sciences** Vol. 2, No.11; November 2012
- Saffary Nia, Mahya (2019) "The approach of the Organization of Islamic Cooperation in promoting women's rights", **Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law**, 6 (2): 25-54.(in Persian).
- Sandra Fredman, (2011) “*Discrimination Law*” (Oxford: OUP 2011).
- Sesric. (2018) “*OIC WOMEN AND DEVELOPMENT REPORT 2018*” “Enhancing Women Entrepreneurship for Development” October 2018, Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries.
- Tabatabai, Jafar and Abu Mohammad Asgarkhani (2019) "Study and analysis of the third generation of human rights violations in the field of US sanctions", **Scientific Quarterly of International Police Studies**, 10 (39): 122-142.(in Persian).
- Vakil, Amir Saeed and Asghari, Pouria (2004) "The third generation of human rights (solidarity rights)" Tehran: **Majd Publication**, 2004.(in Persian).
- Verdizadeh, Hamid (2012) "Comparative study of women's rights in the law of the Islamic Republic of Iran and other countries", National Conference on International Law in the Mirror of Modern Science. May 2012 :1-21.(in Persian).